

Foundations of government and structure of power in the history of Iran

مبانی حکومت و ساختار قدرت در تاریخ ایران

Theoretical foundations of authority: the concept of legitimacy.

مبانی نظری اقتدار : مفهوم مشروعیت

Concept مفهوم

Legitimacy / lɪˈdʒɪtɪməsi / مشروعیت ، حقانیت

One of the fundamental concepts in the structure of government and power is recognition of legitimacy and acceptability.

یکی از مفاهیم اساسی در موضوع ساختار حکومت و قدرت ، شناخت مسئله مشروعیت و مقبولیت است.

Fundamental اساسی

Acceptability مقبولیت

Legitimacy is the foundation and basis of sovereignty and can have two important results: One, creating the right of ruling for the rulers and the other, acceptance of this right by those being ruled.

مشروعیت، اساس و پایه حاکمیت است و می تواند دو نتیجه مهم داشته باشد : یکی ایجاد حق حکومت برای حاکمان، و دیگری پذیرش این حق از سوی حکومت شوندگان.

Sovereignty / 'sɒvrənti / حق حاکمیت ، سلطه

Acceptance پذیرفتن

Since the permanence and durability of sovereignties is based on their legitimacy, illegitimate and usurper governments are also endeavoring to somehow show themselves as legitimate.

از آن جا که دوام و قوام حاکمیت ها بسته به مشروعیت آنان است، حکومت های غاصب و غیرمشروع نیز در تلاشند تا بشکلی حاکمیت خود را مشروع جلوه بدهند.

Permanence / 'pɜ:mənəns / دوام ، ماندگاری

Durability / ,djʊərə'bi:lɪti / دوام ، بقا ، ماندگاری

Sovereignty / 'sɒvrənti / حق حاکمیت ، سلطه

Legitimacy / lɪ'dʒɪtɪməsi / مشروعیت ، حقانیت

Illegitimate نا مشروع

Usurper غاصب

Endeavor تلاش کردن

Somehow به نحوی ، به طریقی

Therefore legitimacy is able to transform a wild power into an acceptable authority.

پس مشروعیت می تواند قدرت وحشی را به اقتداری مقبول بدل نماید.

Legitimacy مشروعیت

Wild/ wɔ:ld / وحشی

As *Rousseau* says: "The strongest is never strong enough to be always master unless he transforms strength into right, and obedience into duty."

به قول روسو : "مقتدرترین فرد هم هیچ گاه تا بدان حد قوی نیست که بتواند برای همیشه آقا (فرمانروا) باشد مگر این که زور را به حق، و اطاعت را به وظیفه بدل کند".

Strongest قوی ترین

Unless / ən'les / مگر اینکه

Obedience / ə'bi:diəns / اطاعت ، فرمانبرداری

duty / dju:ti/ وظیفه

.....

MaxWeber believes that power will gain legitimacy in three ways:

1. Legitimacy resulted from tradition

2. Charismatic legitimacy

3. Legal and rational legitimacy

ماکس وبر هم معتقد است که قدرت به سه طریق مشروعیت می یابد: ۱- مشروعیت ناشی از سنت ۲- مشروعیت کاریزماتیک ۳- مشروعیت عقلایی و قانونی

Believes / bi'li:vz / اعتقاد داشتن ، باور داشتن

Charismatic / ,kæriz'mætɪk / کاریزماتیک

Legal / 'li:gəl / مجاز ، قانونی ، شرعی

Rational / 'ræʃənl / عقلایی ، عقلانی ، منطقی

.....

Tradition-based legitimacy has been seen in patriarch, patrimonial and feudal governments and in general in royal- hereditary governments.

مشروعیت مبتنی بر سنت در حکومت های پدرسالار، پاتریمونیال و فئودال و به طور کلی حکومت های موروثی - سلطنتی دیده شده است.

Patriarch / 'peɪtriɑ:k / پدر سالار

حکومت‌های موروثی از پدر به پسر Patrimonial

Charisma-based legitimacy is based on the authority of a charismatic leader whose charisma makes people follow him.

مشروعیت مبتنی بر کاریزما، بر پایه اقتدار رهبري فرهنگد استوار است که کاریزما و جذبۀ او ، مردم را به پیروی از وی وا می‌دارد.

Such people reproduce their legitimacy by connecting themselves with divine holy foundations.

چنین افرادی (رهبرانی) با مرتبط ساختن خود با مبانی قدسی و الهی ، مشروعیت خود را باز تولید می‌کنند.

Reproduce / ,ri:prə'dju:s/ بازتولید کردن

Weber considers prophets, champions and charismatic leaders to have such legitimacy.

ویر افرادی مانند پیامبران ، قهرمانان و رهبران کاریزمایی را صاحب چنین مشروعیتی می‌داند.

Champions / 'tʃæmpiənz/ قهرمانان

Legal and rational legitimacy leads to a democratic government.

مشروعیت عقلایی و قانونی نیز منتج به دولتی دمکراتیک و مردم سالار می‌گردد.

Legal / 'li:gəl / مجاز ، قانونی ، شرعی

Rational / 'ræʃənəl / عقلایی ، عقلانی ، منطقی

Leads منجر می شود

Although we can consider a fourth type of legitimacy which is a dual combined traditional-charismatic legitimacy in which the ruler while relying on dynastic traditions and customs, with reliance on the holy and divine nature of his power, produces a kind of charisma for himself.

البته نوع چهارمی از مشروعیت را هم می توان تصور کرد و آن مشروعیت دوگانه و تلفیقی سنتی - کاریزماتیک است که در آن حاکم ، ضمن اتکاء به سنن و رسوم دودمانی و سلسله ای ، با اتکاء به صبغه الهی و قدسی که به قدرت خودش می دهد، نوعی فرهمندي نیز برای خودش ایجاد می کند.

dual /dju(:)əl / دوگانه

Combined / kəm'baɪnd / ترکیب شده ، آمیخته شده

Relying / rɪ'laɪɪŋ / تکیه کردن ، اتکا کردن

Reliance / rɪ'laɪəns / تکیه کردن ، اعتماد کردن ، توکل کردن

Maybe we can call this type of legitimacy a religious legitimacy.

شاید بتوان این نوع مشروعیت را مشروعیت دینی نام گذاشت.

In such government, religion produces for the ruler a legitimacy whose head is in charisma and whose feet are in tradition.

در چنین حکومتی ، دین ، مشروعیتی را برای یک حاکمیت پدید می آورد که سر در کاریزما و پا در سنت دارد.

Produce / prɒdju:s / تولید کردن، پدید آوردن

.....

Combined legitimacy (traditional-charismatic) was the major legitimacy of Iranian dynasties since the advent of Islam in Iran till the time of constitutional movement.

مشروعیت آمیخته (سنتی - کاریزمایی) مشروعیت غالب سلسله های پادشاهی ایران از زمان ورود اسلام تا مشروطه میباشد.

Combined / kəm'baɪnd / ترکیب شده ، آمیخته شده

Advent ظهور ، ورود